

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۴۲۷۰ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹

تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم
تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۱ مهر ۱۴۰۱ • ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۱۱۳ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۹۳ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۰

اذان صبح فردا ۴:۴۶ • طلوع آفتاب ۶:۱۰

شرق

دیالوگ روز

جاذبه - آلفونسو کوارون -۲۰۱۳

مت کوالسکی (جورج کلونی): رایان طناب منو رها کن

رایان استون (ساندرا بولاک): نه این کارو نمی‌کنم، نمی‌زارم رها بشی توی فضا.

مت کوالسکی (جورج کلونی): رها کن رایان، یاد بگیر که توی زندگی به‌موقع دست بکشی و رها کنی.

حقوق خوانی

چرا دانش آموزان بازداشت شدند؟

در ۴۸ ساعت گذشته که خبر بازداشت دانش‌آموزان ازسوی وزیر آموزش و پرورش تأیید شده است، بسیاری به این روند و نحوه رسیدگی اعتراض داشته‌اند. مروری بر قوانین نشان می‌دهد که رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان به‌واسطه شرایط مرتکبان به‌صورت ویژه و اختصاصی صورت می‌گیرد و قانون نیز مراجع و روندهای رسیدگی ویژه‌ای دراین‌باره در نظر گرفته است، مانند دادرسای ویژه اطفال و نوجوانان که از دادرساهای تخصصی است و دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان. این اطفال و نوجوانان بزحاکر در حقوق کیفری از امتیازهایی مانند عدم مسئولیت کیفری یا تخفیف مسئولیت به اعتبار شرایط سنی در زمان ارتکاب جرم برخوردار هستند. هرچند این مسئول اعلام کرده که آنها در زندان نیستند و «مواردی هم اگر بازداشت باشند، برای بحث اصلاح و تربیت است که در مرکز روان‌شناسی هستند و دوستان کارشناس کارشان را انجام می‌دهند تا بعد از اصلاح به محیط مدرسه برگردن». اما این نکته قابل‌توجه است. در قدم اول و اساسی‌ترین نکته در بررسی نگاه قانون به مجازات کودکان و نوجوانان و بازداشت کودکان و نوجوانان، تعیین «سن» اهمیت دارد. در فصل دهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با عنوان «مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی اطفال و نوجوانان» به مسئله جرائم مربوط به افراد کم‌سن‌وسال توجه شده است. قانون در ماده ۸۸، سن ارتکاب جرم برای کودکان را ۹ تا ۱۵ سالگی حساب کرده است و براساس آن اگر بچه‌ها در این سن مرتکب جرائم تعزیری شوند، دادگاه برای آنها شش تصمیم می‌گیرد. در قدم اول تحویل کودک به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی و در ایسن مرحله از اولیای کودک تمهید کتبی می‌گیرند که بیشتر در تربیت بچه

تلاش کنند. اگر دادگاه والدین را صالح نداند یا به هر دلیل دیگر، ممکن است کودک را به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری تسلیم کند. سه کار دیگری که دادگاه در قبال این کودکان انجام می‌دهد، عبارت‌اند از نصیحت‌کردن طفل از سوی قاضی، اخطار و تذکر یا گرفتن تعهد کتبی که دیگر خطا را تکرار نکند و درنهایت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال. البته این مجازات در صورتی در نظر گرفته می‌شود که طفل مرتکب جرائم تعزیری درجه یک تا پنج شده باشد. گاهی در قبال خطایی که کودک انجام می‌دهد، قاضی از والدین می‌خواهد کارهای خاصی انجام دهند، مثلا طفل را نزد مددکار اجتماعی یا روان‌شناس ببرند، او را راهی یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی کنند و نسبت به معاشرت او حساسیت بیشتری به خرج دهند. زمانی که طفل راهی کانون اصلاح می‌شود (بازداشت کودکان و نوجوانان) در قانون مجازات، جرائم به هشت درجه تقسیم شده‌اند که هرچه به درجه‌های آخر می‌رسیم، مجازات سبک‌تر می‌شود و نشان می‌دهد، جرم نیز سبک‌تر بوده است. مجازات کودکی که یکی از جرائم مستوجب مجازات درجه یک تا پنج را انجام داده، حضور در کانون اصلاح است، یعنی وی باید دست به خطا یا جرم بزرگی زده باشد. اینها مجازات بسیار سنگینی است که جرائم خاص را شامل می‌شود، البته اگر کودک یکی از این جرائم را مرتکب شده باشد، بازهم نگاه قانون‌گذار به وی با مقدار زیادی تخفیف همراه بوده و او را برای مدت کوتاهی راهی کانون اصلاح و تربیت می‌کند.

به نظر می‌رسد این شرایط بدترین نوع مواجهه با اعتراضات دانش‌آموزان است.



● نخستین کتابخانه عمومی ویژه کودکان «دهد هد سفید» استان تهران در پارک رسالت محله سیدخندان افتتاح شد.
عکس: مهدی مرزیا، فارس

قربانی در مسلخ عشق

عشق در ایران به معنی «عاشق شدن» است. در ایران عشق به معنی «عاشق شدن» است.

سردشت، سومار و حلبچه از جمله این شهرها بودند. سومار یکی از شهرهای شهرستان قصرشیرین و بین دو استان کرمانشاه و ایلام تقسیم شده است. سومار شهری مرزی است که در میان دره‌های میان بلندی‌های سارات، جغالمان و اردوبان قرار دارد. سومار کم‌جمعیت‌ترین شهر ایران است و فاصله آن با شهر مندلی عراق ۱۵ کیلومتر است و یکی از نزدیک‌ترین مناطق ایران به بغداد است. نفت شهر نیز از توابع آن دارای منابع گازی و نفتی است که هم‌اکنون از آنها استفاده می‌شود. در دوران دفاع مقدس شهر سومار در عملیات‌هایی مانند مسلم ابن عقیل، ظفر۴، کربلای ۵، کربلای ۶ و مطلع‌الفجر درگیر جنگ بود. عراق چندین‌بار سومار را بمباران شیمیایی کرد. عراق در ۱۶ و ۱۸ مهر ۱۳۶۶ شمال سومار شامل مقرهای ارتش، اعم از خطوط مقدم و پشتیبانی و حتی قرارگاه مقدم نزاجا را بمباران شیمیایی و موزات این بمباران‌ها در این دو روز، دو اردوگاه جنگی را ناجوانمردانه بمباران کرد و مردم مستقر در این اردوگاه‌ها را با استفاده از گاز اعصاب و خردل مصدوم کرد. در این روز بیش از ۷۰۰ نفر مصدوم و حدود ۱۶۰ نفر هم شهید شدند. این مصدومان از مردم بی‌دفاع، نیروهای ارتشی و پزشکان بود. البته بیش از این هم سومار مورد حمله قرار گرفته بود در ۱۰ دی ۱۳۶۵ خورشیدی، بیمارستان صحرایی ۵۲۸ سومار ۱۶ بار موردتهاجم حملات بمب‌های شیمیایی از نوع خردل قرار گرفت. یکی دیگر از موارد مهم حمله شیمیایی صدام به سومار نیز مربوط به ۲۵ دی ۱۳۶۵ بعد از عملیات کربلای ۵ در جنوب سومار است که در این بمباران بیش از ۲۰۰ نفر مصدوم و ۲۰ نفر شهید شدند. تمام شهدای شیمیایی در طول یک‌ماه درگیری‌های دی و بهمن ۱۳۶۵ حدود ۱۷۰ نفر بود که زیاد و غیرقابل‌قبول بود. حدود ۳۰ نفر از شهدا نیز مربوط به بمباران شیمیایی بیمارستان صحرایی سومار بودند.

اعتراض رسمی ایران به بمباران شیمیایی سومار

سرانجام درپی حمله شیمیایی عراق به منطقه سومار، در روز ۱۷ مهر ۱۳۶۶ (۹ اکتبر ۱۹۸۷) دکتر علی‌اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران، در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل خواستار رسیدگی فوری شورای امنیت به این موضوع شد.

عراق در فروردین سال ۱۳۶۴ یک حمله شیمیایی به ایران انجام داد.

ارتش عراق در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ در اکثر جبهه‌های جنگ علاوه بر استفاده از انواع گازهای خردل در ترکیب سلاح‌های شیمیایی خود از گازهای کشنده‌تری استفاده می‌کرد، به‌طوری‌که پس از به‌کارگیری این نوع جنگ‌افزارها، افراد در معرض گازهای مهلک بلافاصله به شهادت می‌رسیدند. اگرچه شهرهای مختلف مرزی ایران بارها هدف حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته بود ولی هیچ‌کس تجربه و انتظار حمله شیمیایی با آن ابعاد را نداشت. ناآشنایی مردم با تبعات و آثار گاز خردل، آشنانبودن مردم در مورد چگونگی مواجهه با سلاح‌های شیمیایی و اصابت بمب‌ها در مناطق مختلف شهری باعث افزایش مصدومان و قربانیان این فاجعه شد.

(در روزهای ۹ و ۱۸ فروردین ۱۳۶۲) را هدف قرار دادند که طی آن، چهار نفر در سومار مصدوم شدند. در روزهای هفتم و هشتم شهریور سال ۱۳۶۲ نیز به ترتیب مناطق سردشت و سومار هدف توب‌های حاوی گازهای سمی قرار گرفتند که از تعداد تلفات و مصدومان آن اطلاعی در دست نیست.

سکوت مرکبار سازمان‌های بین‌المللی

رژیم صدام در هشت سال دفاع مقدس (۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷). برای اولین بار پس از جنگ جهانی اول به‌صورت وسیع و پرخللاف معاهدات بین‌المللی از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرد. بر اساس گزارش رسمی سازمان ملل (UNMOVIC)، صدام بیش از هزارو ۸۰۰ تن گاز خردل، ۶۰۰ تن گاز سارین و ۴۰۰ تن گاز تالبون و بیش از صدهزار گلوله و بمب شیمیایی علیه ایران استفاده کرد. در تمام طول مدت کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه ایران، عملوا هیچ اقدام جدی‌ای توسط سازمان‌های مسئول بین‌المللی برای متوقف‌کردن این حملات و محکوم‌کردن رژیم صدام صورت نگرفت. در طول جنگ تحمیلی و بر اثر بیش از ۳۵۰ حمله شیمیایی، درمجموع بیش از یک‌میلیون نفر از رزمندگان و افراد غیرنظامی ایران در معرض آلودگی با این عوامل شیمیایی قرار گرفتند که از این تعداد حدود صد هزار نفر دچار مصدومیت شدیدیتر شده و تحت مداوا قرار گرفتند. حملات شیمیایی صدام فقط در جبهه‌های مستقیم درگیری نبود بلکه به شهرها هم کشیده شد. شهر

شاهنامه خوانی

خسرو پیشاری نیای خویش (۱)

پس از آگاه‌شدن افراسیاب از مرگ بیران و بردارن اول‌لک و فرشیدورد، سپهسالار توران زاری‌ها کرد و سپس سپاهی بیاراست از توران و چین و ماجین تا نواده خویش، کیخسرو را از تخت شهریاری فروکشد و ایران آباد را ویرانه‌ای تباه و سپاه گرداند. پشت سپاه

توران به باختر بود و چون شب فرارسید، به یاری پیلان راه برستند و افراسیاب سپاهیان خود را گفت چشم به نیمروز دارد. از دیگر سوی کاراکامان، خسرو را آگاه گردانیدند که افراسیاب سپاه به این سوی جیحون آورده است، سپاهی که ریک و سنگ در زیر پای‌شان ناپدید شده. به همین روی خسرو، بزرگان ایران را فراخواند و از میان جنگاوران سپاهی تیزچنگ برگزید، همه جنگ‌دیده و تلخ و ششور جهان را چشیده تا به یاری گستهم، فرزند نوذر به بلخ روند و نیز به اشکش دستور داد سوی زم لشکر برد تا مبادا سپاه توران بدان‌سوی گرایش یابد و آرامش شیران ایران‌زمین را آشفته گرداند. سپس پهلوانان را آماده کرده، دستور داد بر کوس‌های روبین فروکوبند و خود با آرامش و درنگ سپاه را به پیش راند، چه خسرو، آن مرد خرد و دلاوری می‌دانست شتاب‌ورزیدن و تیزی در جنگ پیشیامی در پی می‌آورد.

خسرو چون به بیابان گام نهاد و شیوه ره‌سپردن سپاه خود را بدید، به‌سوی خوارزم روان شد و در سوه چپ سپاه، دهستان بود و در سویه راست آن، جیحون و در پیش‌روی، افراسیاب کین‌جویانه به انتظار مانده بود.

چون خورشید از خاور سر بر کشید و با پرتو خویش جهان را سیم‌فام گرداند، سیمهدار ترکان از سپاه خود دیدن کرد و دستور داد در نای‌های روبین دمی‌دند و سپاه رده برکشید، چنان‌که جهان از آوای نای‌ها آکنده شد و آن‌گاه سپاهیان همه کلاه آهنین بر سر نهاده، زره بر تن کرده، آماده رزم شدند.

خسرو چون سپاه نیای خویش بدید، در دلش احساسی از نگرانی پای گرفت، آن‌گاه همراه با رستم و توس و گودرز و کیو و گروهی دیگر از پهلوانان لشکر، پیرامون رزمگاه را وارسی کردند تا دریابند دشمن دامی ننهاده باشد. خسرو چون انبوهی سپاه توران بدید و بر تعداد پیلان‌شان آگاهی یافت، دستور داد پیرامون سپاه کنده کنند تا دشمن نتواند ناگهان بر آنان بتازد و پیشتازان و پیشاهنگان سپاه خویش را برانکد که در‌دورار سپاه توران را زیر نگاه داشته باشند و چون شب فرارسید در کنده آب آکنکند و راه بر سپاه افراسیاب برستند.

دو سپاه روبروی یکدیگر دو روز و دو شب بماندند و هیچ‌ک لب نجبنابید و چنان بود که گویی روی زمین آهن‌پوش شده، هوا نیز بر فراز نیشه‌ها جای گرفته، چون سواره‌ها و پیاده‌ها به



مهدی افشار

شاهنامه‌پژوه

جنبش آمدند، گویی جهان کوه آهن شد و پوشش چرخ، زره و جوشن کردید. دو شهریار، پیشگویان و ستاره‌شماران را فراخواندند و پیشگویان افزارها در پیش‌روی خود قرار داده، همه در اندیشه بودند تا راز سیهر را بویجند تا بدانند این زالِ هماره در چرخش به که پشت کند و بر که مهر ورزد.

در روز چهارم که دو سپاه بی‌هیچ جنبشی روبروی یکدیگر ایستادند، پشنگ، فرزند رزم‌جوی افراسیاب به نرذ پدر رفت و گفت: «ای شهریار جهان که بر که و مه، سرفرازی داری و کوه آهن در برابر نام تو آب می‌شود، چرا سیاوش بدگهر را چون پسر نزد خود بی‌وردی و با او بدروار رفتار کردی و سرانجام به‌درستی از او روی گرداندی و سیر کشتی چون دانستی که تاج و تخت تو را می‌خواهد و چرا فرزندش را به جای گذاشتی که اکنون این‌گونه کین‌خواهانه به تو روی آرد و آرزوی می‌کسم در گیتی چندان دیر نماند و هرکس را نیکویی را در گیتی فراموش کند، سز او را همانی است که با سیاوش شد. تو آن ناپاک گرداندی و بی‌وردی و او را به خاک نسپردی و به خود و نهادهای ت در پراورده، از توران مانند مرغی به ایران پرواز کند و چنان رفتار کرد که گویی هرگز نیای خویش را ندیده است. پیران با آن ناسزاوار مرده چند نیکویی‌ها که نکرد حال آنکه خسرو همه مهرورزی‌های پیران را فراموش کرد و در دل تنها کینه پرورد و سرانجام خون آن پهلوان مهربان را بریخت و اکنون با سپاه به جنگ نیای خود آمده است. این ناسزاوار سرد نه دینار می‌خواهد، نه اسب و نه کلاه، نه شمشیر می‌پذیرد و نه گنج و نه جایگاه و از خویشان تورانی خود جز جان نمی‌جوید و از این خواستن، فروت نمی‌آید. چرا به ستاره‌شمار روی آورده‌ای، ایرانیان ارزشی ندارند که در برابرشان درنگ کنی، سپاه را از این چنین دل‌شکسته مگردان. اگر پادشاه دستور دهد از ایشان یک تن به جای نگذارم و سر آن دارم که سر آنان را به کلاه‌خودشان بدوزم.»

افراسیاب چون سخنان پشنگ را بشنید، او را آرام گردانید، گفت: «همه آنچه گفتی، راست است و جز سخن راست نباید شنید و تو می‌دانی که پیران جز راه نیکی، راه دیگری نمی‌سپرد و در دلش کزی و کاستی راهی نداشت. او در جنگ چون پیل بود و دلی دریایی داشت و رخی هوروش، بردارش، هومان پلنگ بیشه دلبری بود، همان‌گونه که لپاک و فرشیدورد بودند. اکنون همه سپاه توران در اندوه وسگان، غمین و افسرده‌اند و کین پیران را از افراسیاب می‌خواهند. برآتم تا سپاهیان ما با چشم خویش ایرانیان را ببینند و اندوه‌شان کاستی گیرد و خشم‌شان فرونی و نیز ایرانیان سپاه انبوه ما را ببینند و دریابند که آیین شهریاری چیست و دولشکری را ببینند که این‌گونه پردرد و خشم هستند. اکنون بر این باورم که اگر جنگ به انبوه کنیم، ما دچار شکست شده، آنچه به چنگ‌مان آید جز باد نیست. برآتم به‌صورت پراکنده، نرده‌مرد بفرستیم و از آنان رزمگاه را پرخون کنیم.»